

کارگران جهان متحد شوید!

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت
www.haftegi.com

۵۰

۳۱ فروردین ۱۳۸۰
۲۰ آوریل ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود
سردبیر این شماره :
کوروش مدرسی

محمود صالحی

آزاد شد

صفحه ۳

روابط عمومی حزب: مریم نمازی

تلفن: 00447719166731

فکس: 00448701351303

wpipr@ukonline.co.uk

دبیر خانه حزب: شهلا دانشفر

تلفن: 00447950517465

markazi@ukonline.co.uk

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

۲۵ متر ۱۱۶۲۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

در پایان یک نمایش حتی بازیگران نقش منفی میتوانند در میان تماشاگران ظاهر شوند بدون آنکه شخصا نفرت کسی را برانگیزند. شاید هم تحسین شوند که توانسته اند نقشی چنین منفی را به خوبی به تصویر بکشند. اپوزیسیون دوم خردادی طرفدار رژیم چه؟ آیا اینها هم میتوانند فردای سرنوختی جمهوری اسلامی، در میان مردم ظاهر شوند، ول بچرخند و نفرت کسی را تحریک نکنند؟ ابتدا اینچنین نیست. دوم خرداد، نمایشی در تئاتر شهر نبود؛ کار چاق کنه‌پاش بازیگران ساده یک تئاتر نبودند و مهتر از همه، مردم نه تماشاگر بلکه قربانیان دو دهه جنایت اسلامی بودند و هستند که یک پرده اش هم زیر تیتراژ دوم خرداد با

در سوگ اپوزیسیون پرو رژیم

محسن ابراهیمی

ebrahimi1@yahoo.com



همکاری همین اپوزیسیون پیاده شد. در صحنه ای واقعی به وسعت شصت میلیون انسان، بخشی از یک دستگاه سرکوب و جنایت به نام جمهوری اسلامی، اتیکت "اصلاح طلب" به خود آویزان کردند و خواستند حکومت اسلامی را از تعرض مردمی جان به لب رسیده حفظ کنند. اپوزیسیون دوم خردادی، در نقش صحنه چینان، صحنه گردانان، مبلغین و ستایشگران زیر بالشان را گرفتند و به این طریق برای سازمان دهندگان و همکاران قدیمی رژیم اسلامی میداناری کردند.

موزیک دنیا را دست بدست کردند و اسلامیون حاکم را به وحشت انداختند؛ اینها شنیدند آخوندی پینک فلوید گوش میداده و از خود بیخود شدند. زنان سد سپاه و بسیج را شکستند و استادیوم ورزشی را پرکردند؛ اینها مقاله نوشتند که رئیس جمهور خاتمی هم هر روز چند دقیقه ای پینک پنک بازی میکرده است. سران رژیم اسلامی اعتراف کردند که دین و ایمان از دست میرود و در هیچ دوره ای به اندازه چند سال گذشته نفرت از اسلام و توهین به صفحه ۳

چگونه میداناری کردند؟

مردم به خیابانها ریختند و فریاد کردند "آزادی، با ریش و پشم نمیشه"؛ اینها خاتمی و خیل اسلامیون در خدمتش را مظهر آزادیخواهی لقب دادند. مردم اعلام کردند آزادی میخواهند و قیم اسلامی نمیخواهند؛ اینها متکبران و احماقانه فضل فروختند که "مردم ما هنوز فرهنگ دموکراسی ندارند و باید هنوز دموکراسی تمرین کنند. (انگار قرار بود مردم رقص باله اجرا کنند!). جوانان، آخرین آلبومهای

همبستگی جهانی کارگران با
قطعنامه مطالبات پایه ای
کارگران ایران

صفحه ۳

اگر دنیا دست ما باشد

اول ماه مه روز ماست! روز همبستگی و اتحاد کارگران جهان! روز اعتراض به تمامیت نظام سرمایه داری و کلیه مصائبی که از وجود این نظام گریبانگیر انسانها شده است. اعتراض به نابرابریهای موجود، اعتراض به تبعیض علیه انسانها، اعتراض به موقعیت فرودست زن، اعتراض به تعصبات جاهلانه و مذهبی، اعتراض به پایمال شدن آرزوهای انسانی، اعتراض به له شدن هر روزه حرمت انسانها، اعتراض به قدر قدرتی و میلیتاریسم، اعتراض به مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و معیشت انسانها، و بالاخره اعتراض به اجبار انسانها به فروش نیروی کارشان، اعتراض به نفس وجودی سرمایه و سیستم بردگی مدرن کار مزدی!

صفحه ۳

اما اگر دنیا دست ما بود، کسی گرسنه نمی ماند، کسی بیسواد نمی ماند، کسی شب را در خیابان به صبح نمی رساند. از زاغه نشینی

وظایف دوستدارن

حزب در ایران

گفتگو با کوروش مدرسی
قسمت دوم

صفحه ۲

دستگیرشدگان اخیر
باید فوراً آزاد گردند

مقابله با مبارزات مردمی که برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به میدان آمده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن حمله اوباش رژیم به سازمانهای سیاسی و دستگیری فعالین آنان، اعلام میکند که همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. حزب کمونیست کارگری ایران مردم را به گسترش اعتراض و مبارزه علیه حکومت کثیف اسلامی فرا می خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ فروردین ۱۳۸۰

بدنبال دستگیری تعدادی از اعضای نهضت آزادی، ۲۷ فروردین نیروهای حکومت اسلامی طی حمله وحشیانه ای به دفتر "جبهه دموکراتیک مردم ایران" ۵۰ نفر را مورد ضرب و شتم قرار داده و آنها را مورد بازجویی قرار دادند. در ساعات بعد از این حمله، تعدادی آزاد شدند و برخی از جمله حشمت الله طبرزدی و چند نفر دیگر از مسئولین این سازمان بازداشت گردیدند.

حمله اوباش رژیم به سازمانهای سیاسی تلاشی است بیهوده برای ایجاد فضای رعب و سرکوب در جامعه و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فعالیت سیاسی و کمونیستی نمیتواند در میان باشد. ثانیا این گسترش باید دو جنبه جلب و جذب را در بر بگیرد. باید در متن تجربه سیاسی و اجتماعی هرکس او را جلب کرد، اما باید تلاش کرد جلب شدگان را جذب کنیم.



هفتگی: چرا اینقدر روی ادبیات مارکسیستی از قلم مارکس و انگلس تاکید میکنید؟

کوروش مدرسی: ببینید خود تبیین هائی که از نوشته های مارکس و انگلس و از تاریخ مارکسیسم و تجربه شوروی بدست داده میشود یکی از عرصه های همین کشمکش بر سر مارکسیسم است. اینکه کسی از مارکس تعریف کرده و بعد یک کتاب در تحریف آن نوشته کمکی به مساله نمیکند. امروز بازار پر از این نوشته های پیرامون کاپیتال، ۱۸ برومر، تاریخ شوروی، دمکراسی، ناسیونالیسم، مساله ملی، امپریالیسم و غیره است. بحث من این است که خود این نوشته ها موضوعاتی مورد جدل هستند. بهتر این است که سراغ سرچشمه ادبیات مارکسیستی، یعنی نوشته های مارکس و انگلس رفت. یک عرصه مهم جدل ما مبارزه با این تبیین های به اعتقاد ما نادرست است. من فکر میکنم توجه به خود مارکس و انگلس این کار را ساده تر میکند.

هفتگی: چگونه میتوان به ادبیات حزب و ادبیات مارکسیستی دسترسی پیدا کرد؟

کوروش مدرسی: بخش زیادی از نوشته های مارکس و انگلس هم اکنون در ایران بشکل قانونی قابل خریدن است. اما در مورد ادبیات حزب کمونیست کارگری، اینهم مثل دسترسی به هفتگی راه دارد. این ادبیات بعضا در ایران هست. میتوان از طریق دیگران به آنها دسترسی پیدا کرد. بخشی از این ادبیات روی صفحه اینترنت حزب و همچنین روی صفحه اینترنت هفتگی صفحه ۴

باید تبیینش از سوسیالیسم و کمونیسم و تفاوت آن با جریانات دیگر را دانست، باید تبیینش از احزاب سیاسی دیگر را فهمید و فهماند، باید به جنگ اعتقادات رایج و داده در جامعه در مورد مذهب، زن و مرد، دمکراسی، ناسیونالیسم، تئوری احزاب، تجربه شوروی و غیره و غیره رفت. برای این کار باید به ادبیات حزب و همچنین به نوشته های مارکس، انگلس و لنین دسترسی پیدا کرد. آنها را خواند و به بحث گذاشت و در عرصه کشمکش اجتماعی بکار برد. بحث فقط مطالعه کردن نیست. مطالعه و بحث جمعی یک رکن حیاتی این فعل و انفعال است. یک رکن دیگر حضور در عرصه کشمکش های جامعه است. میتوان و باید در حد ممکن به جنگ خرافات سیاسی، فکری و فرهنگی رفت. بورژوازی و متفکرین بورژوا در دنیای بعد از جنگ سر، دنیای بعد از فروپاشی اردوگاه شرق، بسیاری از این خرافات را در ذهن بسیاری به حقایق مسلم تبدیل کرده اند. دمکراسی، ناسیونالیسم، تجربه شوروی، جایگاه اندیشه مارکسیستی همه و همه زیر بمباران فکری اینها قرار گرفته است. میتوان و باید به جنگ این داده ها رفت. بازهم تاکید میکنم که باید به ادبیات حزب و ادبیات مارکسیستی، از زبان و قلم مارکس و انگلس، دسترسی پیدا کرد. اینها را مطالعه و بحث کرد و با استفاده از اینها به جنگ عقاید رایج رفت. بهر صورت بحث من این است که اولاً بدون گسترش خود و بدون هدف قرار دادن اینکه باید زیاد شویم، صحبتی از

درباره وظایف دوستداران حزب در ایران گفتگو با کوروش مدرسی مسئول کمیته تشکیلات کل کشور حزب با حزب تماس بگیرید! هفتگی را تکثیر کنید! خود را گسترش دهید! در کشمکشهای جامعه فعالانه شرکت کنید!

koorosh @ ukonline.co.uk

قسمت دوم

فعالیت در این راستا بکشاند. گسترش خود و گسترش دامنه نفوذ خود و افزایش تعداد خود همه اینها یک امر حیاتی در فعالیت سیاسی است.

هفتگی: این گسترش آیا اساساً از طریق ترویج و یا بحث و فعالیت فکری انجام میشود یا از طریق شرکت در فعالیت سیاسی؟

کوروش مدرسی: هر دو. جنبش ما یک جنبش اجتماعی است که یک رکن مهم آن سیاست است. حزب کمونیست کارگری ایران مثل هر حزب جدی سیاسی دیگر به قدرت سیاسی چشم دوخته است. ما معتقدیم که سریعتری و موثرترین راه تغییر جامعه در جهت اهداف و آرمانهای کمونیستی سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی است. از طرف دیگر در جمهوری اسلامی هیچ فعالیت مثبت اجتماعی وجود ندارد که به سیاست، بمعنی رو در رو شدن با دستگاه دولت، کشیده نشود. در نتیجه گسترش خود قطعاً یک بعد سیاسی و رودرویی با دولت را بخود میگیرد. برای این رودرویی باید نیرو داشت، باید صفوف مان را گسترش بدهیم و باید در یک کلمه خودمان را زیاد کنیم و قدرت خود مان را افزایش دهیم و شرایط را قدم به قدم تغییر بدهیم. من در جواب به سوال قبلی شما از جلب و جذب صحبت کردم. بین این دو بنظر من باید تفاوت قائل شد. اکثریت کسانی که مستقیماً یا از طریق فعالیت محلی دوستداران و اعضای حزب به حزب جلب میشوند از سر تجربه مشخصی که با از سر میگذرانند جلب حزب میشوند و به آن توجه میکنند. متوجه میشوند که مثلاً دو خرداد، همانطور که حزب مرتباً گفته است، یک جریان طرفدار جمهوری اسلامی است و خواست

هفتگی: در قسمت قبل اشاره کردید که شما از دوستداران حزب میخواهید که چهارنوع وظیفه را برعهده بگیرند. ارتباط با حزب، تکثیر و ترویج هفتگی، گسترش خود و دخالت فعال در کشمکش های اجتماعی. در مورد دو وظیفه اول یعنی ارتباط با حزب و تکثیر و ترویج هفتگی صحبت کردیم. منظورتان از گسترش خود چیست؟

کوروش مدرسی: فعالیت سیاسی و اصولاً فعالیت اجتماعی بنا به خصلت خود یک کار جمعی است. وقتی کسی به این عرصه ها رو میاورد میخواهد چیزی را در جامعه و در محیط اطراف خود تغییر دهد. کسان دیگری را به عملی متفاوت با آنچه امروز انجام میدهند سوق دهد و شرایط اجتماعی، بمعنای کلی آنرا، تغییر دهد. این یعنی یک فعالیت جمعی. در نتیجه حتی اگر کسی فعالیتش را فردی شروع کند دیر یا زود با اطرافیانش و با مخاطبینش وارد رابطه ای معین میشود و فعالیت فردی به یک فعالیت جمعی تبدیل میشود و باید بشود. اصولاً شاخص موفقیت این است که چقدر این فعالیت جمعی تر شده است. از طرف دیگر قبلاً اشاره کردم که پیوستن به حزب کمونیست کارگری بمعنی پیوستن به یک حرکت و یک جنبش است. مثل هر حرکت و جنبش دیگری هدفش جذب تعداد هرچه بیشتری به خود و تبدیل خود به نیروی اصلی در جامعه است. در نتیجه توقع از هر فرد و یا هر جمعی که خود را دوستدار حزب و یا هم خط حزب میدانند این است که این حزب و این خط را هرچه بیشتر گسترش دهند. آدم های جدیدی را به آن جلب کنند، جلب شدگان را جذب کنند و به

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از دول غرب و طبقات حاکم در ایران و بدست جریان اسلامی به خون کشیده شد. مردم به جای آزادی و رفاه، یک استبداد شوم مذهبی تحویل گرفتند. اپوزیسیون که امروز زیر شمع خاتمی ورد میخواند بدون استثنا، در آن مقطع، زیر پای خمینی را جارو میکرد. از همان موقع، اینها هر دوره در کنار یکی از سازمان دهندگان حکومت اسلامی ظاهر شده اند. اینها را به تناوب، در کنار خمینی، بنی صدر، خط امام، رفسنجانی دیده ایم و امروز هم در کنار خاتمی انجام وظیفه میکنند. اینها، به قدمت عمر جمهوری اسلامی در مقابل مردم و اهداف شریف و انسانیان اینستاده اند. اینها برای لنینیسم اسلامی چاقو تیز کرده اند. اینها چهره های آشنایی هستند.

بار چیست؟ کم شعوری سیاسی؟ کم توقعی از زندگی؟ دلالت مسلکی در سیاست؟ بی افقی و بی آیندگی؟ هم افقی با اسلام سیاسی؟ شرق زدگی آل احمدی؟ سنت پرستی حجه ای؟ ابن اولوقتی سیاسی؟ عادی شدن ولگردی سیاسی در اپوزیسیون؟ همگامی با "طبقه متوسطی" که گویا در میان سنت و تجدد سرگردان است؟! (این آخری ظاهرا تعداد انگشت شماری از "چپها" را اندکی دیرتر از دیگران در مقابل رئیس جمهور خاتمی حیران کرده است). اپوزیسیون دوم خردادی، تمام این خصوصیات را یکجا در خود حمل میکند. اینها مظهر خالص این مشخصات سیاسی هستند. ۲۳ سال پیش، انقلاب مردم علیه فقر اقتصادی و استبداد سیاسی، توسط اتحادی مقدس

خروج از این بن بست وجود دارد؟ این سؤال برای اپوزیسیون دوم خردادی به اندازه دوم خردادیهای حکومتی مهم و حیاتی است. به این دلیل ساده: بدون دوم خرداد، بدون امیدی برای اصلاح جمهوری اسلامی و حفظش، شغلشان را از دست میدهند. نه تنها این، بلکه حکومت اسلامی با تمام هیکل کریهش در مقابل مردم قرار میگیرد و نابودیش سرعت میگیرد. و با این وضعیت، یک سرمایه گذاری چند ساله همراه تمام سهامدانش (توده ای، اکثریتی، ملی-اسلامی) دود میشود و هوا میبرد. از یک دوره پرمشقت آب و جارو کردن راه نظام اسلامی، علی میماند و حوضش. (شهرت این علی، کشتگر است).

توحش خیر دادند و محکومشان کردند. حکومت اسلامی از ترس تحرک سیاسی مردم و زیر فشار آزادیخواهی مردم دو پاره شد و خاتمی را بیرون داد؛ اینها مردم را پدکار خاتمی دانستند که آزادی و مدارا و دمکراسی و جامعه مدنی را به فرهنگ سیاستمداران وارد کرده است. سران حکومتی دوم خرداد صریحا اعلام کردند تمام نیتشان از اصلاحات حفظ نظام اسلامی است؛ اینها همچنان خدام این امامزاده باقی ماندند و دنبال راهی برای ادامه حیاتش گشتند.

و اکنون، با بن بست دوم خرداد، همراه سرکردگان دوم خرداد، در مقابل این سؤال قرار دارند: آیا راهی برای

از صفحه ۱
اسلام رایج نبوده؛ اینها دو پا در یک کفش کردند که ایران یک جامعه اسلامی است و مردم ایران به اسلام پایبندند. (شاه بخشید و شاه قلی ول نکرد). آخوند به هرشکلی در آمد نتوانست از نفرت مردم علیه این سمیل حکومت اسلامی بکاهد؛ اینها تا آخوندی زبانش را طور دیگری چرخاند، در شهر راه افتادند و جار زدند آی مردم بیایید که آخوند مرغوب مدل جدید آورده ایم. پاسداران حکومت اسلامی به خوابگاه دانشجویان هجوم بردند، به نام مقدسات اسلامی از طبقات بالا به زمین پرتشان کردند؛ اینها با وقاحت تمام به ارکستر وزارت اطلاعات پیوستند و از نفوذ خشونت طلبان در صف اعتراض مردم علیه این

همبستگی جهانی کارگران با قطعنامه مطالبات پایه ای کارگران ایران

استرالیا
- ائتلاف جهانی زنان
- کمیته حزب سیاسی سوسیال دمکرات
فنلاند
- اتحادیه کارگران فلز
- اتحادیه کارگران مواد شیمیایی
- اتحادیه کارگران شهرداریهای فنلاند
کانادا
- اتحادیه کارگران پست
- اتحادیه کارکنان بیمارستانهای استان بریتیش کلمبیا
نروژ
- اتحادیه سراسری نفت نروژ

* ما خواهان آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، بیان، عقیده، مطبوعات، اجتماعات و تظاهرات و تعزب در ایران هستیم.
* ما خواهان آزادی فوری بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و از جمله آزادی فوری محمود صالحی دبیر سندیکای خبازان سقز هستیم.
* ما ضمن حمایت از مبارزات کارگران ایران برای رفاه و آزادی و برای کسب حقوق فوق، سرکوب این مبارزات را شدیداً محکوم میکنیم.
آلمان
- اتحادیه فلز

در سراسر ایران هستیم.
* ما خواهان افزایش قابل توجه دستمزدها و بیمه بیکاری مکفی برای کارگران بیکار هستیم.
* ما خواهان متوقف کردن اخراج کارگران مهاجر از جمله بیش از یک میلیون کارگر افغانی مقیم ایران و برسمیت شناختن حق کار و شهروندی کامل برای آنان هستیم.
* ما خواهان دستمزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار مشابه هستیم.
* ما خواهان خروج فوری نیروهای انتظامی از محیط های کارگری هستیم.

بندهال تماس فعالین حزب با اتحادیه ها و تشکل های کارگری این اتحادیه از قطعنامه حزب حمایت کردند. زنده باد همبستگی جهانی کارگران

قطعنامه در دفاع از حقوق پایه ای کارگران در ایران
* ما خواهان حق بی قید و شرط اعتصاب، تشکل و قراردادهای دسته جمعی برای کارگران ایران هستیم.
* ما خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه کارگران

از اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

محمود صالحی آزاد شد

امروز ۲۹ فروردین محمود صالحی دبیر سندیکای کارگران خباز سقز، از زندان جمهوری اسلامی آزاد شد. ساعت ۱۰ صبح، جمعی از دوستان و خانواده و بستگانش در محوطه خروجی زندان از او استقبال کرده و تا منزل همراهیش نمودند.
با اطلاع از آزادی محمود صالحی جمعیتی از مردم و کارگران خباز در جلو خانه محمود صالحی تجمع کرده و با اهدای دسته های گل و آویختن تاج گلی زیبا به گردن محمود صالحی او را در آغوش گرفتند. بر روی پلاکاردهای قلمزی که بر در ورودی و دیوارهای منزل آویزان بود، اجتماع کنندگان آزادی محمود صالحی را تبریک گفته بودند.

← اگر دنیا دست ما باشد

جامعه می افزود. اگر دنیا دست ما بود، تمام آحاد مردم از مواهب و دستاوردهای بشریت بهره مند میشدند. رشد خلاقیت های انسانها، رشد دانش و علم و هنر و رفاه اجتماعی هر فرد پیش شرط رشد جامعه بود. این جهان وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. و این هدف جنبش کمونیسم کارگری است!

از اطلاعیه

حزب کمونیست کارگری ایران

سایت رسمی حزب کمونیست کارگری مجدداً فعال شده است

www.wpiran.org

برای مطالعه آخرین اطلاعیه ها، آرشیو ادبیات

حزب، اخبار فعالیت های حزب، فراخوانها

به سایت حزب مراجعه کنید

سایت حزب هرروز تکمیل و تازه میشود

ورودی به سایت های انگلیسی، آلمانی،

ترکی و سوئدی حزب

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

← از صفحه ۱ هست. بعلاوه مجموعه خوبی از این ادبیات را ما روی یک سی دی بنام روزنه ۱ قرار داده ایم. این سی دی هم در ایران هست و هم در خارج کشور بسادگی قابل دسترسی است. نوشته های کوتاه تر، نظیر "یک دنیای بهتر" (برنامه حزب) از طریق لیست ای میل برای چند ده هزار نفر در ایران ارسال شده است. اگر یک آدرس ای-میل بدست رسانده شود، ما به تدریج اینها را به این آدرس میفرستیم. دنیای امروز دنیای اینترنت است. اینترنت در ابعاد غیر قابل تصویری سد سانسور است. باید هرچه زودتر به این شبکه راه پیدا کرد. دسترسی به ادبیات حزب از این طریق ساده تر، ارزان تر و کم خطر تر است. میدانم که علاوه بر فشار پلیسی جمهوری اسلامی، فشار اقتصادی و فقر، بخصوص طبقه کارگر را، محدود کرده است. اما دسترسی به این امکانات را به یکی از عرصه های کنار زدن و خنثی کردن فشار دولت و سرمایه داری تبدیل کرده است. باید تلاش کرد که به این امکانات دست رسی پیدا کرد. این کار ابعاد فعالیت را بشدت گسترش میدهد. جریانات دیگر بورژوازی دارند از این امکان استفاده میکنند. ما نمیتوانیم با سنگ و چوب به جنگ آخرین سلاحهای اینها برویم.

هفتگی: بحث گسترش به بحث فعالیت رسید. گفتید که یکی دیگر از فراخوانهای شما دخالت فعال در کشمکش سیاسی و اجتماعی جاری در جامعه است. این دخالت چگونه است؟ چه ابعاد و چه عرصه هائی را مد نظر دارد؟ کورش مدرسی: دخالت در همه عرصه ها و در همه ابعاد. گفتیم که کل داستان پیوستن به یک حزب و یک جنبش اجتماعی تلاش برای تغییر محیط اطراف و برای کسب قدرت سیاسی است. در نتیجه کشمکشی که در جامعه در جریان است مربوط ترین مساله به ماست. نمیتوان خود را از آن کنار نگاه داشت. باید در آن دخالت فعال کرد و اوضاع

را بسمتی که مورد نظر ماست سوق داد. هر فعالیت فرهنگی یا فکری در جمهوری اسلامی بی برو برگرد به رودرویی با دولت، در هر شکل آن، کشیده میشود. باید به استقبال این رفت. خوب سوال، همانطور که شما طرح کردید، این است که در چه ابعادی، در چه سطحی؟ جواب من این است که هرکس و یا هر جمعی باید به محیط و عرصه فعالیتی که درگیر آنست نگاه کند. عرصه فعالیت کمونیستی این فرد و یا این جمع همین عرصه است. اگر در محیط کارگری فعالیت میکنید، چه کارگر باشید چه نباشید، جنبش کارگری محیط و عرصه فعالیت شما است. اگر در دانشگاه و در محیط دانشجویی فعالیت میکنید این عرصه کار شما است. اگر در جنبش برابری طلبی زنان دخیل هستید این محیط فعالیت شماست. اگر در عرصه هنری و فرهنگی و فعالیت فکری، یا روزنامه نگاری دخیل هستید این میتواند عرصه مورد نظر شما باشد، اگر در جنبش مدرنیستی جوانان درگیر هستید این یک عرصه فعالیت است. ممکن است در چند عرصه فعال بود. بحث من این است هرکس و هر جمعی در هر تعداد عرصه ای که درگیر هستند همان را عرصه فعالیت خود تعریف کنند. فعالیت سیاسی با حزب کمونیست کارگری مطلقا به معنای کنار گذاشتن عرصه فعالیت اجتماعی و سیاسی کنونی افراد نیست. بلکه معنایش این است که سیاست کمونیستی-کارگری در این عرصه ها جاری میشود و نیرو میگیرد. بنابراین همه این عرصه ها عرصه فعالیت ماست. هیچ چیز اجتماعی در جامعه وجود ندارد که به ما مربوط نباشد. هرکس و هر جمعی باید بخود نگاه کند و عرصه فعالیت خود را تعریف کند. ما همه این عرصه ها را برسمیت میشناسیم.

در مورد ابعاد هم قضیه بهمین شکل است. بعد یا ابعادی باید مینا قرار گیرد که در حد توان و امکانات فرد یا جمع هست. هیچ فعالیتی در هر ابعادی کم نیست. هرچند ما

میخواهیم این ابعاد هرچه بزرگتر باشند، اما از هر بعدی میتوان شروع کرد. مهم نیست امروز کوچک است. مهم این است که از طرف فرد و یا جمع معین قابل انجام است و مهم این است که یک سیاست فعال در گسترش و تعمیق این شبکه و این فعالیت را دنبال کنیم.

هفتگی: این فعالیت علنی است یا مخفی؟

کورش مدرسی: باز هم هر دو. ببینید فعالیت سیاسی و اجتماعی در اساس یک فعالیت علنی است. کار سیاسی یعنی اینکه یکی میروید روی چهارپایه و مردم را به راه خاصی دعوت میکنید، نیرو جمع میکند و تلاش میکند آرمان خود را متحقق کند. در جوامع مختنق، نظیر جمهوری اسلامی، این کار با دشواری و خطر رو برو میشود. در نتیجه یک فرهنگ مخفی شدن و فعالیت سیاسی مخفی شکل گرفته که در واقع نوعی تسلیم به اختناق است. ما بحشمان این است که فعالیت سیاسی و اجتماعی بنا به خصلت خود یک فعالیت علنی است که توسط آدمهای معلوم و قابل شناخته شدن توسط مردم و در نتیجه قابل رهبر شدن انجام میگردد. اما شرایط دولت استبدادی موجب میشود که

فعالیت علنی اشکال خاصی بخود بگیرد. این فعالیت در چنین شرایطی اساسا از دوکانال انجام میشود. یکی از طریق نهادها و ارگانهای حزبی و شخصیت های متعلق به این خط که خارج از دسترس جمهوری اسلامی هستند، مثل فعالیت هائی که حزب کمونیست کارگری از طریق خارج کشور انجام میدهد و دیگری فعالیت علنی دوستداران و اعضا و فعالین حزب در داخل کشور. این دومی محدودیت دارد. باید در چهارچوب تناسب قوای موجود در جامعه انجام شود. یک رهبر کارگری میتواند فعال حزب کمونیست کارگری باشد اما در همان حال رهبر شناخته شده جنبش کارگری باشد و همین امروز چنین هست. هیچ فعال علنی، چه متعلق به حزب کمونیست کارگری باشد و چه نباشد، در یک جامعه گرفتار سرکوب، نظیر جمهوری اسلامی،

همه حرفش را علنی نمیزند. همه میدانند که این شخص دارد در چهارچوب تناسب قوا حرف میزند. بالانس درست میان آنچه که میتوان گفت و نمیتوان گفت یک هنر است که باید آموخت. هم امکان به اصطلاح راست زدن هست. یعنی توهم حرفی زد که حقیقت ندارد (مثلا مدح خاتمی یا خامنه ای را گفت) و هم امکان چپ زدن. حرفی زد که منجر به متفرق شدن صفوف خود و یا کشیده شدن آن به رو در روئی شد که هنوز آمادگی آن را ندارد. بهر صورت این یک جنگ است و باید تاکتیک دقیق داشت. این بحث احتیاج به موشکافی بیشتری دارد. ما قبلا در این مورد تحت عنوان "فعالیت قانونی" (که فعالیت در تناسب قوای موجود را مد نظر دارد) نسبتا به تفصیل صحبت کرده ایم. اینجا متاسفانه امکان پرداختن به آن وجود ندارد. خوانند علاقمند میتوانند به نوشته های دیگری نظیر بحث آژیتاسیون و آژیتاتور پرولتر (نوشته منصور حکمت) و همچنین نوشته من در نشریه کارگر کمونیست شماره ۱ تحت عنوان کار قانونی مراجعه کنند. امیدوارم در آینده بتوانیم به تفصیل مجددا به این مساله برگردیم.

بهر صورت، بحث این است که فعالیت نمیتواند صرفا علنی و نمیتواند صرفا مخفی باشد. باید ترکیب درستی از هر دو کار را در پیش گرفت. و ابعاد آن را توان هر فرد و جمعی تعیین میکنند و عرصه آنرا هم عرصه درگیری خود جمع یا فرد معین میکنند. بدون دخالت در کشمکش سیاسی، فکری، هنری، و سایر عرصه های اجتماعی جامعه نه میتوان گسترش پیدا کرد و نه میتوان به اهداف این حزب و این جنبش نزدیک شد. باید تلاش کرد با جلب و جذب نیرو، با نشان دادن حقانیت خود و با ایزوله کردن سیاست های دیگر به رهبر اعتراض به وضع موجود و رهبر و متفکر نقد وضع موجود تبدیل شد. این جز از طریق فعالیت علنی با نام و نشان شخصی و با مخفی کردن کل روابط تشکیلاتی و با اتکا به یک شبکه کارای فعالینی که چنین فعالیت علنی را مقذور میکنند و ثمره کار فعال و رهبر علنی را جمع میکنند ممکن نیست.

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهروز مدرسی-دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:

www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England